

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ - صَيَغُ الْأَفْعَالِ

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



قواعد

درس یک عربی دهم، در واقع مروری بر مطالبی است که در متوسطه اول خوانده‌اید و احتمالاً فراموش کرده‌اید. ما در این درس تمام آن مطالب را برای شما یادآوری می‌کنیم و البته از منظر تستی به همه آن‌ها نگاه می‌کنیم.

نقشه راه

در درس اول عربی دهم می‌خواهیم:

- تمام قواعدی را که در متوسطه اول خوانده‌اید، مرور کنیم و نکاتی را به آن‌ها اضافه کنیم.
- دیدمان را به مباحث، تستی‌تر کنیم و برای ورود به عربی کنکور خودمان را گرم کنیم.
- نکات ترجمه‌ای را که در متوسطه اول خوانده‌اید، یادآوری و چند نکته جدید به آن‌ها اضافه کنیم.



انواع کلمات در زبان عربی



کلمات را در زبان عربی (مثل همه زبان‌ها) به سه گروه تقسیم می‌کنیم:

- فعل:** وقوع و انجام کار و یا روی دادن حالتی را می‌رساند که مقید به زمان است: کَتَبْتُ: نوشتی، تَكْتُبُ: می‌نویسی
- اسم:** کلمه مستقلی است که برای نام‌گذاری به کار می‌رود و یا چیزی شبیه فعل است بدون مقید بودن به زمان: جَبَل: کوه، کَاتِب: نویسنده
- حرف:** حروف به‌تنهایی و به‌خودی‌خود، معنای مشخصی ندارند و در جملات هویت پیدا می‌کنند: اَنَّ: که، كَ: مانند

فعل



یک بار دیگر فعل را برایتان تعریف کنیم: «کلمه‌ای که انجام کاری یا رخ دادن حالتی را بیان می‌کند، حتماً زمان دارد و به شخص یا اشخاصی هم نسبت داده می‌شود». بحث فعل‌ها در زبان عربی بسیار گسترده است که ما هر کدام را کامل بررسی خواهیم کرد. به‌طور کلی موارد زیر محل بحث ما هستند:

- فعل ماضی ۲ فعل مضارع، امر و نهی ۳ فعل مستقبل

صیغه فعل: در ابتدا باید با مفهومی به نام «صیغه فعل» آشنا شوید تا صرف فعل‌ها را یاد بگیرید. در متوسطه اول شما با صیغه فعل‌ها به فارسی (اول شخص، دوم شخص، سوم شخص) آشنا شدید. از اینجا به بعد باید با عربی این موارد آشنایی پیدا کنید، چون بدین گونه در کنکور مطرح می‌شوند. مثلاً در عربی می‌گوییم فعل «کَتَبْتُ: نوشتی» از صیغه «للمخاطبة» است. صیغه هر فعل این اطلاعات را در اختیار ما قرار می‌دهد:

- تعداد (مفرد، مثنی یا جمع بودن فعل) ۲ جنس (مذکر یا مؤنث بودن فعل) ۳ شخص (غایب، مخاطب، متکلم)

مثلاً «للمخاطبة» یعنی «مفرد مؤنث مخاطب»!

تذکره: الف سوم شخص ← غایب (منظورمان افرادی هستند که درباره‌شان سخن می‌گوییم).

ب دوم شخص ← مخاطب (افرادی که گویی رویه‌روی ما هستند و مورد خطابشان قرار می‌دهیم).

ج اول شخص ← متکلم (گوینده‌ها یعنی: من و ما)

با ذکر این مقدمات بهتر است به جدول زیر دقت کنید تا کارمان را جدی‌تر دنبال کنیم.

نام صیغه به فارسی	نام صیغه به عربی	ضمیر منفصل (جدا)	ضمیر متصل (پیوسته)
سوم شخص مفرد (مذکر)	مفرد مذکر غایب	هُوَ: او (یک مرد)	هُ: = او، - ش
سوم شخص جمع (مثنای مذکر)	مثنای مذکر غایب	هُمَا: آن دو (دو مرد)	هُمَا: = آن دو، - شان
سوم شخص جمع (جمع مذکر)	جمع مذکر غایب	هُمْ: آن‌ها (چند مرد)	هُمْ: = آن‌ها، - شان
سوم شخص مفرد (مؤنث)	مفرد مؤنث غایب	هِيَ: او (یک زن)	هَا: = او، - ش
سوم شخص جمع (مثنای مؤنث)	مثنای مؤنث غایب	هُمَا: آن دو (دو زن)	هُمَا: = آن دو، - شان

سوم شخص جمع (جمع مؤنث)	جمع مؤنث غایب	لِغَائِبَات	هُنَّ: آن‌ها (چند زن)	هِنَّ: آن‌ها، - شان
دوم شخص مفرد (مذکر)	مفرد مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبِ	أَنْتَ: تو (یک مرد)	كَ: - تو، - ت
دوم شخص جمع (مثنای مذکر)	مثنای مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبَيْنِ	أَنْتُمَا: شما (دو مرد)	كُمَا: - شما، - تان
دوم شخص جمع (جمع مذکر)	جمع مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبِينَ	أَنْتُمْ: شما (چند مرد)	كُم: - شما، - تان
دوم شخص مفرد (مؤنث)	مفرد مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَةِ	أَنْتِ: تو (یک زن)	كَ: - تو، - ت
دوم شخص جمع (مثنای مؤنث)	مثنای مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	أَنْتُمَا: شما (دو زن)	كُمَا: - شما، - تان
دوم شخص جمع (جمع مؤنث)	جمع مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَاتِ	أَنْتُنَّ: شما (چند زن)	كُنَّ: - شما، - تان
اول شخص مفرد	متكلم وحده	لِلْمَتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	أَنَا: (یک مرد یا یک زن)	ي: - من، - م
اول شخص جمع	متكلم مع الغیر	لِلْمَتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	نَحْنُ: ما (دو مرد، دو زن، چند مرد، چند زن)	نَا: - ما، - مان، - ما



- استثنائاً اینجا صیغه‌ها را به فارسی هم برایتان آوردیم اما شما از این به بعد فقط با نام‌های عربی‌شان سروکار خواهید داشت.
- در صیغه‌های غایب و مخاطب، میان مذکر و مؤنث و مثنی و جمع تفاوت وجود دارد.
- در صیغه متکلم مع الغیر، تفاوتی میان مذکر و مؤنث نیست؛ بنابراین هر دوی این عبارات صحیح هستند:
أنا طیب (مفرد مذکر) أنا طیبیه (مفرد مؤنث)
- با دقت در صیغه متکلم مع الغیر می‌توان متوجه شد که در این صیغه، علاوه بر اینکه میان مذکر و مؤنث تفاوتی وجود ندارد، بین مثنی و جمع هم فرقی نیست. پس تمام موارد زیر صحیح هستند:

نَحْنُ ← مُسْلِمَانِ (مثنی مذکر)
 ← مُسْلِمَتَانِ (مثنی مؤنث)
 ← مُسْلِمُونَ (جمع مذکر)
 ← مُسْلِمَاتُ (جمع مؤنث)

با نکات «۳» و «۴» بسیار کار خواهید داشت.

هر فعل دو نوع ضمیر^۱ دارد:

الف) **ضمیر منفصل**: که مستقل به کار می‌روند و به فعل و اسم و حرف نمی‌چسبند (هو، هما، هم و ...).

ب) **ضمیر متصل**: که به همراه فعل و اسم و حرف به کار می‌روند (ه، هما، هم، ها و ...).

ریشه فعل: بیشتر فعل‌ها در زبان عربی، سه حرف اصلی دارند که بلااستثنا در تمام صیغه‌ها حضور دارند. به این سه حرف «ریشه فعل» می‌گوییم:

جَلَسْتُ ← ج ل س نَفَقْتُ ← ف ق د ریشه

نکته: این سه حرف را نام‌گذاری هم کرده‌اند؛ فاء الفعل → جَلَسْتُ ← لام الفعل
 عین الفعل
 فَعَلَ



وقتی می‌گوییم می‌خواهیم فعلی را صرف کنیم، منظورمان این است که آن را به تمام صیغه‌ها ببریم. شیوه صرف فعل‌ها در ماضی و مضارع با هم تفاوت دارند که به‌طور جداگانه به آن‌ها می‌پردازیم.

تذکر: در ابتدا بگوییم که فعل‌ها سه زمان اصلی دارند:

الف) **ماضی**: یعنی فعلی که در گذشته رخ داده است (که البته انواع مختلفی دارد که در این کتاب همه آن‌ها را به شما آموزش می‌دهیم):

شَرِبْتُ: نوشیدم جَعَلْتُ: قرار داد

۱. ضمیر، کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌شود و از تکرار آن جلوگیری می‌کند.

ب) مضارع: منظورمان فعلی است که مربوط به زمان حال یا آینده است (که بخش آینده‌اش می‌تواند با آوردن قید زمان، مشخص تر شود):
أُصَحِّحُ: نصیحت می‌کنم
تَدْخُلُونَ: وارد می‌شوید

● فعل‌های امر و نهی زیرمجموعه‌های فعل مضارع به شمار می‌آیند.

ج) مستقبل: یعنی فعلی که رخ دادنش صرفاً مربوط به آینده می‌باشد:
سَيَرْجِعَانِ: بازخواهند گشت
سَوْفَ تَجْلِسْنَ: خواهید نشست

صرف فعل ماضی

حالا با خیال راحت می‌توانیم نمونه‌ای از فعل ماضی را برای شما صرف کنیم.

مثال	ساختار	ضمیر (منفصل)	صیغه
سَمِعَ: شنید	ریشه فعل	هُوَ	مفرد مذکر غایب
سَمِعَا: شنیدند	ریشه فعل + ا	هُمَا	مثنای مذکر غایب
سَمِعُوا: شنیدند	ریشه فعل + وا	هُمْ	جمع مذکر غایب
سَمِعْتَ: شنید	ریشه فعل + ت	هِيَ	مفرد مؤنث غایب
سَمِعْتَا: شنیدند	ریشه فعل + تا	هُمَا	مثنای مؤنث غایب
سَمِعْنَ: شنیدند	ریشه فعل + ن	هُنَّ	جمع مؤنث غایب
سَمِعْتُ: شنیدی	ریشه فعل + ت	أَنْتَ	مفرد مذکر مخاطب
سَمِعْتُمَا: شنیدید	ریشه فعل + تُمَا	أَنْتُمَا	مثنای مذکر مخاطب
سَمِعْتُمْ: شنیدید	ریشه فعل + تُمْ	أَنْتُمْ	جمع مذکر مخاطب
سَمِعْتِ: شنیدی	ریشه فعل + تِ	أَنْتِ	مفرد مؤنث مخاطب
سَمِعْتُمَا: شنیدید	ریشه فعل + تُمَا	أَنْتُمَا	مثنای مؤنث مخاطب
سَمِعْنِ: شنیدید	ریشه فعل + نِ	أَنْتُنَّ	جمع مؤنث مخاطب
سَمِعْتُ: شنیدم	ریشه فعل + ت	أَنَا	متکلم وحده
سَمِعْنَا: شنیدیم	ریشه فعل + نا	نَحْنُ	متکلم مع الغیر

جزئی‌تر نگاه کنیم

① در جدول صیغه فعل و این جدول، ملاحظه می‌کنید که ۶ صیغه در زبان فارسی، به ۱۴ صیغه در عربی تبدیل می‌شود (دلیلش هم تفاوتی است که عربی میان مذکر و مؤنث و مثنی و جمع قائل می‌شود).

② به جز ریشه فعل^۲ (همان صیغه الغائب)، در بقیه صیغه‌ها، فعل‌های ماضی با علامت‌هایی در انتهایشان همراه شده‌اند.

③ علامت‌های آخر فعل ماضی (که با اغماض می‌توانیم آن‌ها را همان شناسه‌های زبان فارسی به حساب آوریم)، راه شناسایی صیغه فعل‌ها هستند؛ به‌طور مثال علامت همه فعل‌های ماضی صیغه جمع مذکر مخاطب، «تُمْ» در انتهای آن است.

④ در فعل‌های مخاطب، آخر همه فعل‌ها با آخر ضمیرهایشان یکسان و هم‌ریم است:

أَنْتَ جَلَسْتَ أَنْتُمَا جَلَسْتُمَا

⑤ فعل‌های ماضی را با حرف «ما» منفی می‌کنیم: اِشْتَرَيْتُ: خریدم ← ما اِشْتَرَيْتُ: نخریدم

تمرین تستی

عَيْنُ الْخَطَا عَنْ الْأَفْعَالِ أَوْ الضَّمَائِرِ:

- (۱) هي نظرت، أنتما كاتبان (۲) نحن رأينا، هم جلسوا (۳) أنت عرفت، هما طالبان (۴) أنا وجدت، أنتن كاتبات

۱. «الف» برای زیبایی به کار می‌رود.

۲. هر جا از ریشه فعل نام بردیم، منظورمان صیغه الغائب ماضی است.

۱۹- أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.	ترجمه: به چیزی که گفته است نگاه کن و به کسی که گفته است، نگاه نکن. مفهوم: مهم مفهوم سخن است نه گوینده آن.
۲۰- مَنْ حَفَرَ بَنَاءً لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا.	ترجمه: هرکس برای برادرش (دوستش) چاهی بکند، خودش در آن می افتد. مفهوم: اعمال بد انسان به سوی خودش برمی گردد.
۲۱- لِكُلِّ جَدِيدَةٍ لَذَّةٌ.	ترجمه: هر چیز جدیدی، لذتی دارد. مفهوم: همانند ترجمه اش!
۲۲- عَصْفُورٌ فِي الْيَدِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرَةِ عَلَى الشَّجَرَةِ.	ترجمه: یک گنجشک در دست، از ده تا روی درخت بهتر است. مفهوم: یک چیز کم ارزش اما نقد و حاضر بهتر از یک چیز گران بها اما غیرقابل دسترس است.
۲۳- مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.	ترجمه: هرچه در دنیا بکاری، در آخرت درو می کنی. مفهوم: انسان در گرو اعمال خودش است.
۲۴- مَنْ طَلَبَ أَخًا بِلاَ عَيْبٍ بَقِيَ بِلاَ أَخٍ.	ترجمه: هرکس دوستی بدون عیب بخواهد، بدون دوست باقی می ماند. مفهوم: همه آدم ها - کم و بیش - عیب و ایراد دارند.
۲۵- هَذَا الْفَرَسُ وَ هَذَا الْمَيْدَانُ.	ترجمه: این اسب و این میدان. مفهوم: درباره استفاده از فرصت ها به کار می رود.
۲۶- ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾	ترجمه: در آفرینش آسمان ها و زمین اندیشه می کنند، پروردگارا این را بیهوده نیافریده ای. مفهوم: بیهوده نبودن آفرینش هستی (دقت در هدف خلقت).



پرسش های چهارگزینه ای درس ۱

واژگان



- «سَأَلْتُ أَحَدَ الْمُوظَّفِينَ فِي الْمَطَارِ لِلنَّجْفِ الْأَشْرَفِ عَنْ سَاعَةِ الطَّيْرَانِ!» عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ:
 - قاعة
 - ضياء
 - غيم
 - قائمة
- «غصون هذه الأشجار و ثمراتها اللذيذة من أنعم الله المنهمرة عليكم!» كم جمع التفسير في العبارة؟!
 - واحد
 - ثلاثة
 - أربعة
 - إثنان
- «القمر كوكب حول الأرض و ضياؤه من الشمس!» عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ:
 - يرجع
 - يبحث
 - ينمو
 - يدور
- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ:
 - هذا الرجل عاش في الدنيا زاهداً و ماتَ قَبْلَ سَنَةٍ!
 - كُلُوا مِنَ الْفَوَاكِهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ ثَمَرَاتِ الْأَشْجَارِ مُفِيدَةٌ لَكُمْ!
 - أنا مُشْتاقٌ بِالْكَوَاكِبِ وَ كَتَبْتُ مَقَالَةً حَوْلَ أَحَدِ النُّجُومِ!
 - نَامَ أَخِي فِي غُرْفَةٍ كَبِيرَةٍ رَقْدَ فِيهَا جَدِّي فِي أَيَّامِ شَبَابِهِ!
- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ التَّنَادُّ:
 - قيمة هذا السراويل غالية. أنظر! إلى السراويل الرخيصة!
 - دكان صديقي بعيد عن منزلنا و لكن المكتبة قريبٌ مِنَّا!
 - العالم المجتهد قال لي: «كُنْ مُجَدِّدًا حَتَّى تَصِلَ إِلَى أَهْدَافِكَ!»
 - كنتُ حزيناَ فَصِرْتُ مُسْرُورًا بَعْدَ زِيَارَةِ أَحَدِ أَصْدِقَائِي!
- عَيْنِ الْخَطَأِ:
 - إنكسر عُصْنٌ مِنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ الْكَبِيرَةِ. (جمع) ← عُصُونُ، الشَّجَرَاتُ
 - توجد أبحاثٌ كَثِيرَةٌ حَوْلَ أَنْجَمِ السَّمَاءِ. (مفرد) ← باحث، نُجُوم
- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغَاتِ:
 - مِنْ مَلَابِسٍ يَلْبَسُهَا الرِّجَالُ فِي الصَّيَافَةِ أَوْ غَيْرِهَا! (الْقُسْتَانِ)
 - قِطْعَةً مِنَ النَّارِ تُعْطِي الْحَرَارَةَ الَّتِي يَجْلِسُونَ حَوْلَهَا! (الغيم)
 - الشمس كوكبٌ تَدُورُ الْأَرْضُ حَوْلَهَا وَ جَذْوَتُهَا : (مُسْتَعْرَةً)
 - غَسَلْتُ وَجْهِي فَجَفَفَتْهُ بِ !: (الْفَرْشَاءُ)

۸. عَيْنِ الْخَطَأِ لِلْفَرَاقَاتِ:

- ۱) علينا الذهاب نحو لكي نُسافر بالطائرة! (المطار)
 ۳) إني أحل هذه القضية بقدرات نفسي! (مُستعيناً)

۹. عَيْنِ الْخَطَأِ (عن التعاريف و التوضيحات):

- ۱) قطعة من النار، لها حرارة كثيرة ← الجذوة
 ۳) فصل الأزهار و بداته فصول السنة ← الزَّيْبَع

۱۰. عَيْنِ مَا فِيهِ جَمْعُ مَكْسَرٍ أَكْثَرُ:

- ۱) و زائنه بأنجم / كالذُّرَر المنتشرة!
 ۳) وصف الطبيب حبوباً مسكناً لزوّار كانوا يذهبون لزيارة المدن المقدّسة!

۱۱. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَعْرِيفِ الْكَلِمَاتِ:

- ۱) التّراب: الَّذِي نَجَحَ فِي امتحانات آخر السّنة الدّراسيّة!
 ۳) المطّار: سائق الطائرة و له مهارة بالغة في عمله!

۱۲. «إِنَّ اللَّهَ غَيُومًا فِي السَّمَاءِ فـ الْأَرْضَ بَعْدَ نَزُولِ الْأَمْطَارِ» عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ:

- ۱) أَوْجَدَ - صَيَّرَ - خَصِرَ
 ۲) وَجَدَ - صار - خَصِرَ
 ۳) خَلَقَ - صار - مُسْتَعِرَ
 ۴) أَنْزَلَ - صَيَّرَ - مُسْتَعِرَ

۱۳. عَيْنِ مَا فِيهِ جَمْعُ مَكْسَرٍ أَكْثَرُ:

- ۱) جنود الشّياطين أعداء لكم بلا شك!
 ۳) يجب أن ثُملاً أوقاتنا بالأُمور النّافعة!

۱۴. عَيْنِ الْخَطَأِ:

- ۱) التّيّار ← سائق وسيلة تنسير من طريق السماء!
 ۳) الصّداع ← ألم شديد في الرّأس!

۱۵. «يَتْرَكَ الطَّالِبُ الْبَيْتَ وَ يَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ أَنْ يَأْكُلَ غَدَاةً». عَيْنِ الصَّحِيحِ: الطَّالِبُ يَدْرُسُ

- ۱) لَيْلًا
 ۲) مَسَاءً
 ۳) صَبَاحًا
 ۴) نَهَارًا

(زيان ۹۸)

۱۶. عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ جَمْعٌ سَالِمٌ لِلْمَوْثُوتِ:

- ۱) من صفات المؤمنين بُشاشة الوجه!
 ۳) الأرضُ كرة من الكُرَات في الفضاء!

(تهری ۹۸)

۱۷. عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ جَمْعٌ سَالِمٌ لِلْمَوْثُوتِ:

- ۱) لطمنا العدوَّ أشدَّ اللطمات!
 ۳) لبعض أولياء الله كرامات كثيرة!

(عمومی خارج از کشور ۹۸)

۱۸. عَيْنِ مَا فِيهِ التَّضَادُّ:

- ۱) القيام و القعود من أعمال الصّلاة!
 ۳) ينزل التّلعج و المطر من السّماء في فصل الشّتاء!

(تهری ۹۸)

۱۹. عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ التَّضَادُّ:

- ۱) كلّ يوم يحتوي على ليل و نهار!
 ۳) القيام و القعود من أعمال الصّلاة!

ترجمه، تعريب و مفهوم



تست‌های آموزشی (کسب مهارت)

۲۰. ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾:

- ۱) ستایش از آن خداوند می‌باشد که خالق آسمان‌ها و زمین است، هم او که تاریکی‌ها و نور را بنهاد!
 ۲) خداوند را ستایش می‌کنم، کسی که آسمان و زمین را خلق نمود و تاریکی و روشنایی‌ها را قرار داد!
 ۳) حمد و ستایش مخصوص پروردگاری است که آسمان‌ها و زمین‌ها و ظلمات و نور را بیافرید!
 ۴) ستایش از آن خدایی است که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد و تاریکی‌ها و روشنایی را بنهاد!

۱. بررسی گزینه‌ها: گزینه «۱»: «جنود» جمع مکسر «جُنْدِی»، «شیاطین» جمع مکسر «شیطان»، «أعداء» جمع مکسر «عدو»؛ این گزینه بیشترین جمع مکسر را دارد. / گزینه «۲»: «زائرات» جمع مؤنث است نه مکسر. / گزینه «۳»: «أوقات» جمع مکسر «وقت»، «أُمور» جمع مکسر «أمر». / گزینه «۴»: «الأنبياء» جمع مکسر «النبی».

۱۴. گزینه ۱ **ترجمه گزینه‌ها:** گزینه «۱»: «التَّيَّار: جریان، راننده وسیله‌ای است که از طریق آسمان حرکت می‌کند» (الطَّيَّار: خلبان)، / گزینه «۲»: «الحوار: گفت‌وگو، سخنی میان دو نفر✓» / گزینه «۳»: «الصداع: سردرد، دردی شدید در سر✓» / گزینه «۴»: «الغش: لانه، خانه پرنده‌گان✓».

۱۵. گزینه ۲ **ترجمه عبارت:** «دانش‌آموز خانه را ترک می‌کند و به مدرسه می‌رود بعد از اینکه ناهارش را بخورد. دانش‌آموز درس می‌خواند.» توضیح: دانش‌آموز وقتی که بعد از ناهار به مدرسه می‌رود، بعد از ظهر یا عصر درس می‌خواند. **ترجمه گزینه‌ها:** گزینه «۱»: «لَبَّاءُ: شب» / گزینه «۲»: «مساء: عصر» / گزینه «۳»: «صباحاً: صبح» / گزینه «۴»: «نهاراً: روز»

۱۶. گزینه ۴ **بررسی گزینه‌ها:** گزینه «۱»: «صفات: جمع مؤنث سالم، مفردش صفة» / گزینه «۲»: «الزَّيَّات: جمع مؤنث سالم، مفردش الزَّيَّال» / گزینه «۳»: «الكَرَّات: جمع مؤنث سالم، مفردش الكرة» / گزینه «۴»: «الأصوات: جمع مکسر مِيت؛ پس در گزینه «۴» جمع مؤنث سالم نداریم.

۱۷. گزینه ۴ **بررسی گزینه‌ها:** گزینه «۱»: «اللطمات: جمع مؤنث سالم، مفرد آن لطمة» / گزینه «۲»: «جَوَّالَات: جمع مؤنث سالم، مفرد آن جَوَّال» / گزینه «۳»: «كرامات: جمع مؤنث سالم، مفرد آن كرامة» / گزینه «۴»: «الأصوات: جمع مکسر صوت» **۱۸. گزینه ۱** **بررسی گزینه‌ها:** گزینه «۱»: «القيام: برخاستن ≠ القعود: نشستن» / گزینه «۲»: «الشمس: خورشید» و «القمر: ماه» متضاد نیستند. / گزینه «۳»: «الثلج: برف» و «المطر: باران» متضاد نیستند. / گزینه «۴»: «الأكل: خوردن» و «الشرب: آشامیدن» متضاد نیستند.

۱۹. گزینه ۲ **بررسی گزینه‌ها:** گزینه «۱»: «ليل: شب ≠ نهار: روز» متضاد هستند. / گزینه «۲»: «الشمس: خورشید» و «القمر: ماه» متضاد نیستند. / گزینه «۳»: «القيام: برخاستن ≠ القعود: نشستن» متضاد هستند. / گزینه «۴»: «الظلمات: تاریکی‌ها ≠ النور: روشنایی» متضاد هستند.

۲۰. گزینه ۴ «السماوات: آسمان‌ها / الأرض: زمین» (رد گزینه‌های «۲» و «۳»). «خلق: خلق کرد» (رد گزینه «۱»). «الحمد لله الذي: حمد و سپاس از آن خدایی است که ...» (رد سایر گزینه‌ها).

۲۱. گزینه ۴ «غصون الأشجار: شاخه‌های درختان» (رد گزینه‌های «۲» و «۳»). «ننظر: نگاه می‌کنیم» (رد گزینه‌های «۱» و «۳»). «عندما: هنگامی که» (رد گزینه‌های «۲» و «۳»).

۲۲. گزینه ۳ «[رحم: رحم نمایند» (رد سایر گزینه‌ها). در گزینه «۱» «باید رحم نمایند» اشتباه است؛ کلمه «باید» اضافی است.

۲۳. گزینه ۴ «كَانَ ... يَظْلَتُونَ: (ماضی استمراری) گمان می‌کردند» (رد گزینه‌های «۱» و «۲»). «كوكب دَرِّي: ستاره درخشانی» (رد گزینه‌های «۲» و «۳»).

۲۴. گزینه ۲ «غيم يُشاهده الناس في السماء يتشكل من بخار ماء: ابری که مردم آن را در آسمان می‌بینند از بخار آبی تشکیل می‌شود» (رد گزینه‌های «۱» و «۳»). «يتشكّل: تشکیل می‌شود» (رد سایر گزینه‌ها). «قد تراكم: متراکم شده است» (رد گزینه «۲»).

۲۵. گزینه ۳ **بررسی سایر گزینه‌ها:** گزینه «۱»: «[رحم: رحم کن» در گزینه «۱» جمع ترجمه شده پس اشتباه است. / گزینه «۲»: «كنزة صلاتهم: زیادی نمازشان»، «كثرة إيمانهم: زیادی ایمانشان» نه «إيمان زیادشان»: دلیل: نشانه «ای» / گزینه «۴»: «لا تجعلنا: ما را قرار نده» نه «من را قرار نده».

۲۶. گزینه ۳ «اعملوا: انجام دهید» نه «انجام دادند»؛ «اعملوا: فعل امر است».

۲۷. گزینه ۳ ترجمه صحیح گزینه «۳»: «این زن اندیشمند است و از دوستان مادر مهربانم است».

۱. گزینه ۱ **ترجمه گزینه‌ها:** گزینه «۱»: «قاعة: سالن» / گزینه «۲»: «ضياء: نور، روشنایی» / گزینه «۳»: «غيم: ابر» / گزینه «۴»: «قائمة: لیست»

ترجمه عبارت: «از یکی از کارمندان در سالن فرودگاه نجف اشرف از ساعت پرواز سؤال کردم».

۲. گزینه ۲ **ترجمه سؤال:** «چند تا جمع مکسر در عبارت وجود دارد؟» «غصون: شاخه‌ها، مفرد: غصن» (جمع مکسر). «أنعم: نعمت‌ها، مفرد: نعمة» (جمع مکسر). «الأشجار: درختان، مفرد: الشجر» (جمع مکسر). «ثمرات: میوه‌ها، مفرد ثمرة» (جمع مؤنث سالم).

۳. گزینه ۴ **ترجمه گزینه‌ها:** گزینه «۱»: «يرجع: برمی‌گردد» / گزینه «۲»: «يبحث: جست‌وجو می‌کند» / گزینه «۳»: «ينمو: رشد می‌کند» / گزینه «۴»: «يدور: می‌چرخد» **ترجمه عبارت:** «ماه سیاره‌ای است که دور زمین می‌چرخد و روشنایی‌اش از خورشید است».

۴. گزینه ۱ **ترجمه سؤال:** «در کدام عبارت، کلمات مترادف وجود ندارد؟» **بررسی گزینه‌ها:** گزینه «۱»: «عاش: زندگی کرد»، «مات: فوت کرد» این دو کلمه متضاد هستند. / گزینه «۲»: «كواكب = التجوم: ستارگان» مترادف هستند. / گزینه «۳»: «فواكه = ثمرات: میوه‌ها» مترادف هستند. / گزینه «۴»: «رقد = نام: خوابید» مترادف هستند.

۵. گزینه ۲ **بررسی گزینه‌ها:** گزینه «۱»: «غالية: گران، الرخيصة: ارزان» متضاد / گزینه «۲»: تضادی وجود ندارد. / گزینه «۳»: «بعيد: دور، قريب: نزدیک» متضاد / گزینه «۴»: «حزناً: غمگین، مسروراً: شاد» متضاد

۶. گزینه ۳ «أبحاث: تحقیقات» مفردش «بَحْث» است، «أنجم: ستارگان» مفردش نجم است.

۷. بررسی گزینه‌ها: گزینه «۱»: «الْفُستان: پیراهن زنانه» از لباس‌هایی است که مردان آن را در مهمانی یا غیر آن می‌پوشند x. / گزینه «۲»: «غيم: ابر» (پارهای از آتش است که گرما را به کسانی می‌دهد که اطرافش می‌نشینند x. / گزینه «۳»: (مستعرة: فروزان) «خورشید ستاره‌ای است که زمین دور آن می‌چرخد و پاره آتش آن فروزان است✓» / گزینه «۴»: «الفرشاء: مسواک» «صورتَم را شستم و آن را به وسیله مسواک خشک کردم x».

۸. گزینه ۲ «خیابان‌ها بسیار فروزان بودند، نتوانستیم در جلسه حضور پیدا کنیم.» (واژه مناسب: مزدحم: شلوغ)

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: «ما باید برویم به فرودگاه تا با هواپیما مسافرت کنیم» / گزینه «۳»: «من حل می‌کنم این قضیه را با کمک توانایی‌های خودم» / گزینه «۴»: «خداوند خورشید را در آسمان به صورت پاره آتش پدید آورده است».

۹. گزینه ۴ «وسيله‌ای است برای تمیز کردن دندان.» این تعریف «الفرشاء: مسواک» است نه «المِشَفَّة: حوله».

ترجمه سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: «پارهای از آتش است، گرمای زیادی دارد (پاره آتش) / گزینه «۲»: «قطره‌های جاری شده از چشم‌ها (اشک‌ها) / گزینه «۳»: «فصل گل‌ها و شکوفه‌ها و شروع فصل‌های سال (بهار)

۱۰. گزینه ۳ **ترجمه سؤال:** «در کدام گزینه جمع مکسر بیشتری وجود دارد؟» **بررسی گزینه‌ها:** گزینه «۱»: «أنجم: جمع نجم، الذرر: جمع دُرّ» / گزینه «۲»: «أطعمة: جمع طعام، مرضی: جمع مريض» / گزینه «۳»: «حبوب: جمع حَبّ / حَبّة، زَوَّار: جمع زائر، المُدن: جمع مدینه» / گزینه «۴»: «الأقرباء: جمع قريب، جيران: جمع جار»

۱۱. گزینه ۲ **ترجمه گزینه‌ها:** گزینه «۱»: «الراسب: مردود، کسی که در امتحانات پایان سال تحصیلی موفق شد x.» / گزینه «۲»: «ذُرر: مروریده‌ها، از سنگ‌های زیبا که ارزش گرانبهایی دارد و رنگش سفید است✓» / گزینه «۳»: «المطر: فرودگاه، خلبان است و مهارتی کامل در کارش دارد x.» / گزینه «۴»: «مُسْتَعْرَة: فروزان، صفت چیزی است که به نور احتیاج دارد تا مردم آن را ببینند x».

۱۲. گزینه ۱ **ترجمه عبارت:** «بی‌شک خداوند ابرهائی را در آسمان و زمین را بعد از بارش باران».

بررسی گزینه‌ها: گزینه «۱»: «پدید آورد - گردانید - سرسبز» / گزینه «۲»: «یافت - شد - سرسبز» / گزینه «۳»: «آفرید - شد - فروزان» / گزینه «۴»: «نازل کرد - گردانید - فروزان»

۱۳. گزینه ۱ **ترجمه سؤال:** «در کدام عبارت جمع مکسر بیشتری دارد؟»